

راهبردهای حفظ محرمانگی در قراردادهای نفت و گاز*

مصطفی مداحی نسب

پژوهشگر پسادکتر در مؤسسه حقوق معدن و انرژی دانشگاه روه‌ر بوخوم آلمان

احمد مؤمنی‌راد**

دانشیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

رضا طجرو

استادیار حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

در قراردادهای نفت و گاز و پیرو آنها در برنامه‌های نفت و گاز، جابه‌جایی داده‌ها میان سرمایه‌گذار (پیمانکار) و کشور میزبان (کارفرما) گریزناپذیر است. از سویی، برخی داده‌ها در صنعت نفت و گاز دارای ارزش بالایی بوده و در رقابت میان شرکت‌های نفتی و کشورهای دارای نفت و گاز کارایی دوجندانی دارد. و از سوی دیگر، در یک نظام حقوقی دادمند، شفافیت که در برابر محرمانگی قرار می‌گیرد، از جایگاه والایی برخوردار است و مرز و اندازه محرمانگی را بسته نگاه می‌دارد. از این رو راهبردی که بند محرمانگی در قراردادهای نفتی و یا قراردادهای محرمانگی که به قرارداد نفتی پیوست می‌شوند، نقش برجسته‌ای در تنظیم سیاست‌های نفت و گاز دارد. در این پژوهش، نخست دو پنداره شفافیت و محرمانگی در برابر هم از دیدگاه فلسفه حقوق بازشناسی شده، سپس به این پرداخته شده است که در نظام عرفی حقوق بین‌الملل نفت و گاز، کدام یک اصل و کدام استثنا به‌شمار می‌رود. برگرفته از آن، مفاد بندهای محرمانگی با در نظر گرفتن رویکردهای گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته است. روش‌شناسی پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی است. و در پایان چنین نتیجه‌گیری شده است که به‌کار بردن محرمانگی به‌طور گسترده و تفسیرپذیر و یک‌طرفه با عرف بین‌المللی در تناقض است و افزون بر فراهم کردن بستر فسادهای مالی، برای نگهداری از داده‌های محرمانه نیز کارایی چندانی ندارد.

واژگان کلیدی: داده‌های محرمانه، شفافیت، قراردادهای نفت و گاز، محرمانگی.

* مقاله حاضر مستخرج از رساله با عنوان «بررسی حقوقی توافق‌های محرمانگی در قراردادهای بالادستی نفت» می‌باشد.

Email: momenirad@ut.ac.ir

** نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۶ اردیبهشت ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

DOI: 10.22059/JRELS.2020.299076.357

© University of Tehran

مقدمه

شفافیت همیشه به عنوان کلید فرمانروایی بهتر شناخته شده است (Florini, 2007: 23). باین حال به نظر می‌رسد که شفافیت با همه خوبی‌هایی که داراست، در برابر محرمانگی قرار می‌گیرد. از این رو شاید کسانی بر این باور باشند که محرمانگی ابزاری است برای دور زدن قانون و فسادهای مالی و در نتیجه بایستی کنار گذاشته شود (Berliner, 2014: 479).

در نظام‌های حقوقی، دو مفهوم محرمانگی و شفافیت بر پایه نیازهای گوناگونی به کار می‌روند. از این رو فلسفه‌ای جدا از یکدیگر دارند. با در نظر گرفتن دو کنشگر اصلی در چهارچوب فلسفه حقوق، یعنی دولت و شهروند، فلسفه‌های یگانه‌گرا، به جامعه و دولت گرایش دارند. از سوی دیگر، نگاه دوگانه‌گرا، به شخص یا شهروند گرایش دارند و حقوق شهروندی را پیشگام بر فرمان‌های دولت می‌دانند. دلیل این موضوع این است که فلسفه‌های یگانه‌گرا رویکردی پدیدارشناسانه دارند؛ درحالی‌که دوگانه‌گرایی رویکرد هستی‌شناسانه دارد. به سخن دیگر، فلسفه‌های یگانه‌گرا، در چهارچوب فلسفه حقوق، به اثبات‌گرایی می‌رسند؛ درحالی‌که دوگانه‌گرایی به پنداره حقوق طبیعی یا به گزاره نوین آن، حقوق شهروندی، گره می‌خورد (Maddahinasab, 2018: 30).

در دسته‌بندی نسل‌های حقوق بشر، حق بر محرمانگی به نسل نخست حقوق بشر می‌رسد (Petersmann, 2002: 630) که در شمار بسیاری از اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و قانون‌های اساسی و عادی کشورهای جهان به عنوان حق مدنی شناسایی شده است. جایگاه شفافیت در این باره دگرگونه است. شفافیت برآیند نیازی اجتماعی است و ریشه در حقوق موضوعه دارد. از این رو به نسل دوم حقوق بشر که حقوق و آزادی‌های اجتماعی-اقتصادی است برمی‌گردد. امروزه قانون‌های آزادی داده‌ها، برجسته‌ترین شکل برقرار کردن شفافیت در سازوکار حقوق موضوعه است که در بیش از هشتاد کشور به تصویب رسیده‌اند (Berliner, 2014: 479-491). در ایران، قانون دسترسی آزاد به اطلاعات در سال ۱۳۸۷ در مجلس تصویب شد و در سال ۱۳۸۸ برای اجرا به دولت فرستاده شد. هرچند تدوین آیین‌نامه اجرایی ابلاغ آن تا سال ۱۳۹۴ به درازا کشید.

بنابراین با وجود این‌که به نظر می‌رسد محرمانگی و شفافیت در برابر یکدیگر قرار دارند، این گونه نیست که یکی خوب و دیگری بد باشد. هر دو دارای کارکردی سودمند برای یک نظام حقوقی هستند و با نبودن هر کدام از این دو، برپایی حقوق و داد دشوار می‌شود. کارکرد شایسته یک نظام حقوقی در این است که این دو مفهوم را در جای درست آن‌ها به کار ببرد.

1. Idealism and Materialism
2. Realism

در هر نظام حقوقی با توجه به نگرشی که به فرمان‌فرمایی قانون وجود دارد، کفه ترازو می‌تواند به سوی هر یک از دو نهاد محرمانگی یا شفافیت سنگینی کند. پیرو آن، یکی از دو نهاد به عنوان اصل و دیگری به عنوان استثنا شناسایی می‌گردد؛ برای نمونه، در نظام حقوقی کامن‌لای بریتانیا که نوع نگرش به فرمان‌فرمایی قانون به گونه‌ای است که زمینه را برای فردگرایی بیشتر فراهم می‌کند (Hayek, 2012: 84)، محرمانگی به عنوان اصل نمود می‌یابد و شفافیت به عنوان استثنایی بر آن. از این روست که در نظام حقوقی کامن‌لا، حتی با نبود قرارداد یا شرط محرمانگی میان دو طرف، کسی که داده‌هایی را دریافت کرده، از آشکار ساختن این داده‌ها برای دیگران بازداشته می‌شود. و در این باره در این کشور رویه قضایی است که چنین قاعده حقوقی را شناسایی می‌کند (Hardwicke-Brown, 1996: 358). بنابراین می‌توان گفت در چنین نظام حقوقی در گام نخست، اصل بر محرمانگی است، مگر این که برای شفافیت دلیل کافی وجود داشته باشد؛ برای نمونه، اگر داده‌ها در شمار داده‌هایی باشند که ویژگی عمومی دارند و یا این که سود عمومی در آشکار بودن چنان داده‌هایی باشد، بایستی در دسترس همه قرار بگیرند. در برابر، در نظام‌های حقوقی رومی‌ژرمنی با توجه به تفسیری که از فرمان‌فرمایی قانون می‌شود، زمینه برای برتری حقوق اجتماعی و جمعی بر حقوق فردی بیشتر است؛ به این معنا که اشخاص پایبند به نمان نگاه‌داشتن داده‌ها یا استفاده نکردن از داده‌های دیگری نیستند، مگر به رهنمون قانون و یا قراردادی الزام‌آور. نظام‌های سوسیال دموکراتی مانند آلمان، از این دست هستند. در چنین سازمان حقوقی‌ای، اصل بر شفافیت است، مگر این که برای محرمانگی دلیل کافی وجود داشته باشد. باین همه در بیشتر کشورهای که در هر کدام از دو گونه نظام حقوقی کامن‌لا و یا رومی‌ژرمنی گنجانده می‌شوند، قانون‌هایی گذارده شده است که اشخاص را به آشکار ساختن دسته‌ای از داده‌ها که برای اداره کردن جامعه و سود و مصلحت عمومی بایسته است پایبند می‌سازد؛ برای نمونه، آشکار ساختن درآمدها و دارایی‌هایشان به دولت برای تعیین مالیاتی که باید پردازند یا آشکار بودن سرچشمه درآمد افراد برای جلوگیری از پولشویی و دارا شدن‌های ناروا. از سوی دیگر، خود دولت و نهادهای عمومی نیز از سوی قانون‌های دسترسی آزاد به داده‌ها، پایبند به این هستند که داده‌هایی را که نزد آنهاست، برای مردم آشکار سازند؛ مگر داده‌های شخصی مردم که در دست دولت است و یا داده‌هایی که آشکار شدنشان به سود و مصلحت عمومی نباشد که البته از آنجا که سود و مصلحت عمومی، پنداری ذهنی و بسیار تفسیرپذیر است، برخی کشورها مانند ایالات متحده آمریکا در قانون دسترسی آزاد به داده‌های خود، استثناها را تا اندازه‌ای که ممکن بود، عینی ساختند و تفسیر آن‌ها را مضیق به نص صریح قانون کردند (McCARTHY, 1980: 58).

با روشن شدن بنیان‌های دو مفهوم محرمانگی و شفافیت، این پژوهش در پی این است که با بهره‌بردن از این چهارچوب، راهبردهایی که در قراردادهای نفتی برای تنظیم شرط و یا قرارداد محرمانگی به کار برده می‌شود بررسی کند تا از این رهیافت، نکته‌های این نهاد برای شناخت و کاربرد بهینه آن در قراردادهای نفتی تبیین گردد. انگاره پژوهش این است که شناخت درست محرمانگی باید در برابر نیاز به شفافیت پدیدار گردد تا از این رهیافت، راهبرد درستی برای محرمانگی در قراردادهای نفتی به دست آید. بنابراین پرسش‌های پژوهش این است که جایگاه محرمانگی و شفافیت در قراردادهای نفتی چیست؟ رویکردهای گوناگون درباره این جستار در گونه‌های متفاوت قراردادهای نفتی چیست؟ و چگونه می‌توان به رهیافت درستی در این باره دست یافت؟

روش‌شناسی پژوهش توصیفی-تحلیلی است؛ بدین‌سان که نخست پنداره‌های مورد نیاز در بستر صنعت نفت و گاز توصیف و تبیین گردیده و سپس در همان چهارچوب با آوردن نمودهای قراردادی تحلیل خواهد شد. بایستی توجه داشت که محرمانگی در صنعت نفت دارای ابعاد گسترده و بسیاری است که پرداختن به همه آن‌ها در این پژوهش نمی‌گنجد. از این‌رو در این پژوهش، تنها از رویکرد حقوقی به موضوع نگریسته شده و ابعاد فنی، بازرگانی، مالی و زیست‌محیطی آن به پژوهش‌های دیگر واگذار گردیده است.

۱. نظام حقوقی عرفی بین‌المللی نفتی

صنعت نفت و منابع طبیعی همواره بستر فسادهای مالی بوده است (McPherson, 2007: 191). از این‌رو در چند دهه گذشته گفتمان شفافیت در این زمینه برجسته بوده است. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، قانون‌های ویژه‌ای برای بهبود شفافیت و واریسی از کار دولتی‌ها و شرکت‌های خصوصی کنشگر در این باره برنهاد شده است؛ برای نمونه، در کشور نروژ در سال ۲۰۰۳ میلادی براساس اصلاحیه‌های ضد رشوه سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱، پرداخت رشوه در کسب‌وکارهای بین‌المللی جرم‌انگاری گردید و مقرراتی را به وجود آورد که بعدها شرکت‌های نفتی این کشور، از جمله استات‌اویل، با جریمه‌های سنگینی روبه‌رو شدند.

در آمریکا نیز مقررات سختی برای شفافیت دادن در این زمینه به کار گرفته شده است. در این میان، به‌ویژه بر شرکت‌های نفتی پافشاری بیشتری شده است؛ برای نمونه، بنا بر قانون داد فرانک^۲ بخش ۱۵۰۴، شرکت‌های نفتی که در بورس آمریکا نام نوشته‌اند، هرچند وابسته به

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. Dodd-Frank Act

کشور دیگری باشند، پایبند به آشکار ساختن پرداختی‌هایشان به کشورهای هستند که در آن کار می‌کنند. بر پایه این قانون، همه پرداخت‌های بیش از یکصد هزار دلار، از سوی این شرکت‌ها به مقام‌ها، شخص‌ها و کارداران وابسته به کشور میزبان، بایستی برای نهاد ناظر آشکار شود. بدین‌سان جلوی پرداخت رشوه از سوی این شرکت‌ها گرفته می‌شود. در بریتانیا نیز چنین مقرراتی در قانون ضد رشوه^۱ ۲۰۱۰ برنهاد شده است (Ushie, 2013: 66).

در تراز جهانی نیز پیمان شفافیت صنایع استخراجی^۲ برای جلوگیری از فساد و برگزار کردن شفافیت در پیشه نفت و گاز پدید آمده است. بنابراین پیمان، کشورهای عضو کارها و استانداردهایی که این نهاد برمی‌نهد و برای بهبود شفافیت و جلوگیری از فساد در بخش نفت و گاز نیاز است، برگزار می‌کنند (Sturesson, 2015: 34). هر کدام از این کشورها بایستی سالانه گزارشی از شیوه بستن قراردادها، دادن پروانه‌ها و امتیازها، میزان تولید و درآمد، پخش درآمد و هزینه‌ها به این نهاد بفرستند. از نوآوری‌های این نهاد این است که به‌کارگیری و پشتیبانی از جامعه مدنی را از جمله بایسته‌ها دانسته است و بسیار بر آن پافشاری می‌کند (Öge, 2017: 816). هر سه سال یک‌بار نیز این نهاد میزان پایبندی کشورهای عضو را با به‌کارگیری سنجه‌های کیفی ارزیابی می‌کند. به‌جز عراق هیچ‌کدام از کشورهای وابسته به سازمان اوپک به این نهاد نپیوسته‌اند. عراق نیز بنا بر گزارش سال ۲۰۰۶ میلادی هماهنگی چندانی با این نهاد نداشته است.

هرچند بعضی کشورها، از جمله ایران و سایر کشورهای اوپک، کثرت چندانی به سوی شفافیت بخشیدن به سازوکار صنعت نفت خود نداشته‌اند، با نگرش به تحلیل‌هایی که در بندهای بالا آمده است، می‌توان نتیجه گرفت در روندی که در این‌باره در تراز جهانی، تا به این هنگام طی شده است، اکنون درباره نفت و گاز، روی‌هم‌رفته این شفافیت است که اصل بوده و محرمانگی جایگاهی استثنایی دارد. بنابراین، چه دولت‌ها و چه شرکت‌ها، بایستی در این زمینه شفاف باشند، مگر این‌که منافع خصوصی، مشروع و قانونی داشته باشند که در این صورت می‌تواند موضوع محرمانگی باشد. پس اگر محرمانگی استثنا دانسته شود، بایستی به گونه‌ای عینی و مشخص تبیین گردد.

۲. محرمانگی در قراردادهای نفتی

در قراردادهای نفتی به ناچار بایستی برخی از داده‌ها را برای طرف دیگر قرارداد آشکار کرد و یا این‌که با پیشبرد برنامه کم‌کم داده‌هایی به‌دست می‌آیند که از دید بازرگانی دارای ارزش

1. The UK bribery act 2010

2. Extractive Industries Transparency Initiative (EITI)

هستند. از این رو با بستن قرارداد محرمانگی و یا گنجاندن شرط محرمانگی در قرارداد نفتی ترتیبی داده می‌شود که این داده‌ها از گزند به‌کارگیری نابجا و یا آشکارسازی نابجا نگاه‌داشته شود (Maddahinasab, 2019: 49). در این جستار با توجه به این‌که محرمانگی در نگاه فراگیر و در پیوند با شفافیت نقش استثنایی دارد و بایستی به گونه‌ای عینی تفسیر گردد، به ویژگی‌های مفاد قراردادهای و یا شرط محرمانگی در قراردادهای نفتی پرداخته خواهد شد.

۲.۱. راهبرد کلی و متعهد و متعهدله محرمانگی در قراردادهای نفتی

در شرط‌های محرمانگی در بندهای نخستین و در قراردادهای محرمانگی در مقدمه این قراردادها، راهبرد دو سوی قرارداد در آن نقش می‌بندد. از این رو در این‌که یک قرارداد محرمانگی به‌طور گسترده تفسیر شود یا عینی و محدود، نقش بسزایی دارد. در بستر مقدمه یک قرارداد محرمانگی یا بندهای نخستین یک شرط محرمانگی مشخص می‌شود که کدام سوی قرارداد بایستی پایبند به نگاه داشتن محرمانگی در برابر داده‌هایی که دریافت می‌کند باشد. در قراردادهای نفتی، راهبرد درباره محرمانگی داده‌های برنامه نفتی، بسته به این‌که قانون حاکم بر قرارداد و عرف‌های مورد پذیرش دو سوی قرارداد، به سوی محرمانگی یا شفافیت بیشتر گرایش داشته باشد، گوناگون است؛ برای نمونه، در ایران که برداشت از محرمانگی در صنعت نفت، برخلاف عرف بین‌المللی، برداشت گسترده است، میان شرکت ملی نفت و شرکت‌های پیمانکار داخلی محرمانگی به گونه گسترده به‌کار گرفته می‌شود و این برگرفته از رویکرد سختگیرانه و محرمانه‌گرا در ایران است. در برابر این رویکرد، در کشورها و شرکت‌هایی که پایبند به شفافیت هستند، راهبرد محرمانگی برداشت باریک و کران‌پذیر است. افزون بر آن، این‌که قرارداد پایه از کدام دسته از قراردادهای نفتی است نیز در مشخص کردن راهبرد در قرارداد محرمانگی نقش دارد. برای بررسی در این باره، دسته‌بندی قراردادهای نفتی به دو گروه امتیازی و قراردادی به‌کار برده می‌شود (Johnston, 1994: 25).

۲.۱.۱. راهبرد کلی در امتیازنامه‌ها

در دسته امتیازنامه‌ها، اگر آن‌ها را به امتیازنامه‌های دیرین و امتیازنامه‌های نوین بخش کنیم، در امتیازنامه‌های دیرین از بن و اساس، هیچ پایبندی‌ای به محرمانگی نبوده است. از این رو، نه در امتیازنامه و نه بیرون از آن، تعهدی به محرمانگی نمی‌بینیم؛ برای نمونه، می‌توان امتیازنامه داری میان پادشاهی قاجار و ویلیام ناکس داری را یادآور شد که در آن هیچ تعهدی بنا بر محرمانگی داده‌ها برای هیچ‌کدام از دو سوی امتیاز نیامده است. البته در آن هنگام هیچ‌کدام از

دو رویکرد محرمانگی و شفافیت در ایران جا نیفتاده بود و در تراز بین‌المللی نیز هنوز این چنین بازار نفت و گاز پا نگرفته بود که رقابت تجاری باعث بایسته شدن محرمانگی شود. اما در امتیازنامه‌های نوین، شرط محرمانگی آمده است. در نمونه امتیازنامه پاکستان که در سال ۲۰۰۹ میلادی پیش‌نویسی شده، در بخش شانزدهم چنین آمده است که: «دولت پاکستان بایستی داده‌های فنی که برای انجام برنامه نیاز است، مانند داده‌های زمین‌شناسی، جغرافیایی و داده‌های درباره مخزن نفتی را در دسترس دارنده امتیاز قرار دهد و دارنده امتیاز نمی‌تواند این داده‌ها را برای شخص سومی آشکار سازد». اما هنگامی که فصل یازدهم این نمونه امتیازنامه را که به محرمانگی پرداخته است می‌خوانیم، روشن می‌شود که طرف‌های دیگر درگیر در امتیاز نیز پایبند به محرمانگی هستند که دولت پاکستان را هم دربرمی‌گیرد. در بخش تعهدهای دارنده امتیاز، در جایی که وی بایستی گزارش‌هایی به نماینده دولت بدهد، اگر داده‌هایی که پیش می‌نهد از آن خود یا شریک‌هایی باشد که در برنامه کار می‌کنند، این اطلاعات محرمانه دانسته شده و از این رو دولت پایبند به محرمانگی این اطلاعات است و نمی‌تواند آن‌ها را برای شخص سوم غیرمجاز آشکار سازد. در نمونه امتیازنامه مصر، فصل شانزدهم نیز چنین بندی آمده است و نمایندگان دولت درباره داده‌هایی که از برنامه و سازوکار شرکت کارورز به دست می‌آورند، پایبند به محرمانگی هستند. در نمونه امتیازنامه موزامبیک نیز پایبندی به محرمانگی دوسویه است؛ با این تفاوت که در این نمونه امتیازنامه، پایبندی دولت موزامبیک به محرمانگی به گونه‌ای عینی و محدود برنهاد شده است. در بند ۲۳،۲ این نمونه امتیازنامه چنین آمده است که این شرط (محرمانگی) بایستی از آشکار ساختن داده‌ها از سوی دولت موزامبیک جلوگیری کند، مگر این که این داده‌ها برگرفته از برداشت و ارزیابی‌های دارنده امتیاز باشد. به سخن دیگر، چنانچه داده‌ها دارای فکری دارنده امتیاز باشد، دولت نمی‌تواند آن را آشکار سازد.

۲.۱.۲. راهبرد کلی در گونه‌های قراردادی

قرارداد نمونه مشارکت در تولید هندوستان، در بند ۲۶،۱ چنین برمی‌نهد که همه داده‌هایی که طی انجام برنامه به دست آمده و همه ارزیابی‌ها و برداشت‌های فکری و دانشی که پیمانکار طی برنامه به دست می‌آورد، از آن کارفرماست. همچنین در بند اول از شرط محرمانگی در نمونه قرارداد مشارکت در تولید اقلیم کردستان عراق نیز همه داده‌های به دست آمده از برنامه نفتی، از آن کارفرما قلمداد شده است. در قراردادهای خدماتی نیز به همین ترتیب است؛ برای نمونه، در بند ۳۴،۴ قرارداد خام خدماتی کمک فنی کویت چنین آمده است که تنها کارفرما دارنده حقوق دارای فکری پدیدآمده طی انجام برنامه است؛ خواه این دارای فکری به وسیله پیمانکار پدید آمده باشد یا خود کارفرما آن را پدید آورده باشد. در بخش

یازدهم قرارداد ترکیبی (مشارکتی - خدماتی) میان شرکت نفت ملی آلبانی^۱ با پیمانکار^۲ بلوک دلوینا^۳، مالکیت بر دارایی‌های معنوی به دو بخش دسته‌بندی شده است: نخست، داده‌های بنیادین که یک‌سره از انجام برنامه نفتی به‌دست آمده است، مانند ویژگی‌های جغرافیایی و ویژگی‌های مخزن و لرزه‌نگاری؛ دوم، داده‌های برداشت‌شده از داده‌های بنیادین، مانند برآیندهای ارزیابی‌های فنی و دانش فنی پدیدآمده. دربارهٔ دستهٔ نخست این داده‌ها یک‌سره از آن دولت آلبانی قلمداد شده‌اند. اما دستهٔ دوم از آن پیمانکار است؛ هرچند شرکت نفت ملی آلبانی نیز می‌تواند بی‌آن‌که به شخص سوم آموزش دهد، تنها برای نیاز خود از داده‌های دست دوم بهره‌برد. در نمونهٔ قرارداد خدماتی عراق نیز در بندهای ۳۳،۴ و ۳۳،۵ به ترتیب چنین آمده است که دربارهٔ دانش فنی که پیمانکار از پیش داشته و بایستی در برنامه اجرا کند، شرکت ملی نفت عراق حقی نخواهد داشت، اما دربارهٔ دانش فنی پدیدآمده طی انجام برنامه، هردو مالک هستند. در یکی از سه پیش‌نویس قراردادهای خدماتی نوین ایران که به آی.پی.سی شناخته می‌شود، بنا بر موافقت‌نامهٔ محرمانگی که به قرارداد پیوست می‌شود، چنین آمده است که همهٔ داده‌های به‌دست آمده از برنامهٔ نفتی، از آن شرکت ملی نفت ایران است.

بنابراین می‌توان گفت که در گونه‌های دستهٔ قراردادی، هرچند روش‌های گوناگونی برای مشخص کردن دارایی بر داده‌های برآمده از برنامهٔ نفتی داشته باشیم، در همهٔ آن‌ها کارفرما یا به‌تنهایی دارندهٔ همهٔ این داده‌هاست یا در بخشی از آن با پیمانکار شریک است. اکنون بایستی دید که بنابراین هنجار، رویکرد فراگیر دربارهٔ تعهد بر محرمانگی در قراردادهای نفتی چه می‌تواند باشد.

در بیشتر این قراردادها، به‌ویژه قراردادهای مشارکتی، از آنجاکه پیمانکار از دانش فنی‌ای که از پیش داشته به‌کار می‌برد و بایستی با شرکتی که نمایندهٔ دولت میزبان است کار کند، به‌رحال تعهد بر محرمانگی بر کارفرما نیز بار می‌شود. هرچند هنگامی که دیگر بندهای محرمانگی در این قراردادها بررسی می‌شود، از آنجاکه بیشتر داده‌ها از آن کارفرما قلمداد شده است، کفهٔ پابندی پیمانکار به محرمانگی بیشتر سنگینی می‌کند. بایستی گفت که این رویکرد در همهٔ قراردادهای مشارکتی، دربرگیرندهٔ مشارکت در تولید، سود، سرمایه و یا حتی موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی چیره است.

در قراردادهای خدماتی نیز هنگامی که پیمانکار از دانش فنی‌ای که داشته، به کارفرما یا شرکت کارورز که وابسته به کارفرماست می‌آموزد (مانند عراق و کویت)، یا هنگامی که برای

1. Albpetrol Sh.A.
2. Stream Oil & Gas Ltd
3. Delvina Block

پیمانکار بر دانش فنی پدیدآمده در فرایند انجام برنامه، حقی در نظر گرفته می‌شود (مانند قرارداد آلبانی)، کارفرما نیز به محرمانگی پایبند خواهد بود. هرچند این رویکرد می‌تواند سختگیرانه باشد که هیچ حقی برای پیمانکار درباره دانش فنی پدیدآمده در طی برنامه در نظر نگیرد. باین‌حال در بعضی قراردادهای نفت و گاز چنین رویکردی برگرفته می‌شود که به نظر می‌رسد در ایران نیز چنین رویکردی در قراردادهای نفتی حکم فرماست.

۲.۲. قلمرو داده‌های محرمانه

همان‌طور که پیش‌تر آمد، راهبرد کلان محرمانگی در یک قرارداد نفتی، نقش بسزایی در محرمانه قلمداد کردن داده‌ها دارد. بدین‌سان که اگر این راهبرد به سوی شفافیت بیشتر گرایش داشته باشد، در این قراردادها نمودهای محرمانگی عینی و دارای قلمرو محدودی خواهند بود. از سوی دیگر، چنانچه رویکرد بیشتر محرمانه‌گرا باشد، نمودهای داده‌های محرمانه، ذهنی و دارای قلمرو گسترده بوده که جای برداشت فراوانی خواهد داشت.

در قراردادهای نفتی خدماتی ایران، قلمرو داده‌های محرمانه به طور گسترده دیده می‌شود. در شرط محرمانگی این قراردادها، بنا بر آنچه در موافقت‌نامه محرمانگی که به قرارداد پیوست می‌گردد، همه داده‌ها درباره برنامه نفتی و فراتر از آن -یعنی متن قراردادها- نیز محرمانه هستند. امروزه شمار کمی از کشورها چنان قلمرو گسترده‌ای برای محرمانگی برمی‌شمارند، به‌گونه‌ای که خود قرارداد نفتی را هم دربر بگیرد. کشورهای آنگولا، کامبوج، چین، گینه استوایی و ویتنام از این دست کشورها هستند که به‌روشنی خود قرارداد را نیز در شمار داده‌های محرمانه جای داده‌اند (LLP, 2013: 19).

در برابر این شیوه فراگیر و ذهنی پنداشتن قلمرو محرمانگی، در نظام‌هایی که به شفافیت بیشتر گرایش دارند، قلمرو داده‌های محرمانه عینی و محدود به نمودهایی است که به‌روشنی در قانون‌های دسترسی به داده‌های آزاد استثنا شده‌اند. و از آنجاکه استثنا هستند، در صنعت‌ها و پیشه‌های گوناگون به‌طور عینی در قراردادهای محرمانگی می‌آیند؛ برای نمونه، رازهای تجاری و روش‌های ویژه کسب‌وکار و دانش فنی از این دست استثناها هستند.

در صنعت نفت و گاز دسته‌ای از داده‌ها هستند که در همه‌گونه راهبردهای محرمانگی، محرمانه به‌شمار می‌روند. داده‌هایی که طی انجام برنامه به‌دست می‌آیند، مانند ویژگی‌های نفت و گاز و مخزن آن، ویژگی‌های زمین‌شناسی، گزارش‌های اکتشاف و حفاری و ارزیابی آن‌ها، روند فشار، برآورد اندوخته نفت و گاز درجا و داده‌های تجاری - فنی نفت و گاز، از این دسته هستند که همواره در همه قراردادهای نفت و گاز محرمانه به‌شمار می‌روند (Rosenblum, 2009: 24).

همچنان که در جستار پیش گفته شد، بیشتر این داده‌ها از آنجاکه داده‌های درجه یک برنامه نفتی هستند و وابسته به زمین و آنچه در گام نخست از آن دولت میزبان است، به دولت یا کارفرما برمی‌گردند و پیمانکار بایستی درباره این داده‌ها پایبند به محرمانگی باشد؛ حتی اگر برنامه نفتی در چهارچوب امتیازنامه باشد. درباره داده‌های دسته دوم که به‌طور سراسر به زمین یا مخزن و نفت و گاز درجا برنمی‌گردند، مانند ارزیابی‌هایی که در گام دوم انجام می‌شود و دانش فنی که در طی برنامه به‌دست می‌آید، داده‌هایی که طی امتیازنامه‌ها به‌دست می‌آیند از آن دارنده امتیاز است و در قراردادهای بنا به هر قرارداد، ممکن است این داده‌ها تنها از آن کارفرما یا پیمانکار یا میان آن‌ها مشاع باشد. بنابراین در چنان جایگاهی، کشور میزبان یا کارفرما در برابر یک دارنده امتیاز که دانستنی‌های تراز دوم را در چهارچوب بازرسی‌ها آشکار می‌سازد پایبند به محرمانگی است. و یا در قراردادهای مشارکتی و خدماتی که پیمانکار در داده‌های دست دوم شریک است نیز کارفرما پایبندی به محرمانگی دارد. همچنین در بسیاری از قراردادهای مشارکت در تولید، هرچند دولت میزبان و یا کارفرما دارنده داده‌های به‌دست آمده از برنامه نفتی دانسته شده است، با این حال بایستی خودش نیز این داده‌ها را محرمانه نگاه دارد و یا برای آشکار کردن نزد شخص سوم از پیمانکار اجازه بگیرد؛ برای نمونه، در قسمت «B» از بند ۲۶،۱ نمونه قرارداد مشارکت در تولید کامبوج، دارای داده‌های به‌دست آمده طی برنامه نفتی از آن شرکت ملی نفت این کشور است. اما در بخش «C» همین بند، شرکت ملی نفت کامبوج نیز به‌روشنی پایبند به محرمانه نگه‌داشتن داده‌هایی شده است که خود دارنده آن‌هاست. و یا در نمونه قرارداد مشارکت در تولید هندوستان نیز با این‌که دارای داده‌های به‌دست آمده در برنامه نفتی از آن دولت هندوستان است، چنانچه این دولت بخواهد این داده‌ها را نزد دیگری آشکار سازد بایستی از پیش رضایت پیمانکار را به‌دست آورده باشد. در این باره این پرسش برمی‌آید که چگونه است که کارفرما یا دولت میزبان دارنده این داده‌هاست، اما برای آشکار ساختن آن برای دیگری بایستی از پیمانکار اجازه بگیرد؟ آیا پیمانکار نیز دارای حقی درباره این داده‌هاست؟ در پاسخ می‌توان گفت از آنجاکه در قراردادهای مشارکت در تولید پیمانکار در آینده، پس از انجام تعهدهای اساسی خود (اکتشاف، توسعه و تولید)، از نفت تولیدشده در چهارچوب «نفت هزینه» و «نفت سود» سهم دارد، در فرض مشترک بودن میدان نفتی، آشکار ساختن اطلاعات برای دیگران ممکن است در انجام برنامه نفتی کارایی داشته باشد و پیرو آن، سهم و سودش از برنامه نفتی دستخوش دگرگونی شود^۱. از این‌رو از دیدگاه

۱. البته بر پایه منطق قراردادهای نفتی، این حق هنگامی برای پیمانکار پدید می‌آید که تعهدهای اساسی خود را انجام داده باشد؛ برای نمونه، اگر پیمانکار در انجام برنامه نفتی شکست بخورد و به تولید نفت و گاز نرسد، در داده‌های به‌دست آمده از برنامه نفتی نیز حقی نخواهد داشت.

مدیریت برنامه نفتی، کارفرما بایستی در این باره رضایت پیمانکار را نیز به دست آورد. از سوی دیگر، در قراردادهای خدماتی که در آن کارفرما یا دولت میزبان مالک نفت تولید شده و برنامه نفتی است، چنین حقی برای پیمانکار درباره آشکار ساختن اطلاعات برنامه نفتی از سوی کارفرما برای شخص سوم در نظر گرفته نمی شود.

دسته دیگری از داده‌هایی که کارفرما پایبند به نمانند داشتن آن‌هاست، دانش فنی است که پیمانکار به کارفرما یا نماینده او آموزش داده است. این دانش فنی یا یک‌راست از قرارداد انتقال فناوری که میان کارفرما و پیمانکار بسته شده برمی آید که در این روش، در همین قراردادها، دریافت کننده پایبند به نمانند نگاه داشتن فناوری دریافتی می شود (رهبری، ۱۳۹۲: ۲۲۶) یا این که فناوری ممکن است در پی برخی بندهای قرارداد نفتی به دست آید. بندهایی مانند به کارگیری توان درونی کشور میزبان و آموزش نیروهای کار کشور میزبان، همکاری کردن شرکت‌های پیمانکار داخلی کشور میزبان با شرکت دارای فناوری و یا به طور فراگیر به کار بستن قراردادهای همکاری فنی (Secretariat, 1978: 36) که برای هر یک از این‌ها، نمونه‌هایی در جستارهای پیشین آمد که به ترتیب، نمونه قرارداد مشارکت در تولید کردستان عراق، قرارداد خدماتی عراق و قرارداد همکاری فنی کویت بودند که در آن‌ها به روشنی کارفرما در برابر پیمانکار، به محرمانگی پایبند شده بود.

۲.۳. تعهدهای محرمانگی و راهکارهای پایبندی به انجام آن‌ها

در بیشتر نمونه‌های قرارداد نفتی، در شرط محرمانگی، تنها تعهد محرمانه نگاه داشتن داده‌ها از سوی دو طرف قرارداد بر نهاده شده است. و این که در هنگام نیاز به آشکار ساختن این داده‌ها برای شخص سوم، بایستی رضایت طرف دیگر قرارداد فراهم شده باشد؛ هر چند دارای داده‌ها تنها برای یکی از آن‌ها باشد.

تعهدهای دیگری مانند بهره نبردن از داده‌ها برای کارهایی دیگر و یا نفروختن داده‌ها، در برخی نمونه‌های قراردادها به گونه‌ای حاشیه‌ای آمده است؛ برای نمونه، در ۲۶٫۸ قرارداد خام مشارکت در تولید هندوستان، درباره داده‌های به دست آمده از جاهایی که پیمانکار از آن‌ها رویگردانی^۱ کرده، این حق به پیمانکار داده شده است که رونوشتی از این داده‌ها را نگاه دارد؛ وابسته به این که این داده‌ها را در کار یا برنامه نفتی دیگری به کار نیندازد یا نفروشد.

درباره راهکارهای پایبندی به انجام تعهدها نیز چنین است که در شرط‌های محرمانگی که در قراردادهای نفتی می آید، کمتر پیش می آید که در همان جا راهکار ویژه‌ای بر نهاده شود. بیشتر چنین است که راهکار پایبندی به انجام تعهدهای محرمانگی نیز پیرو راهکارهای کلی

پایبندی به قرارداد نفتی خواهد بود که در این باره بایستی بررسی کرد که آیا تعهد به محرمانگی از آن دسته تعهداتی است که نقض آن، نقض آشکار و گسترده قرارداد نفتی به شمار آید یا نه؟ که اگر باشد، راهکار پایبندی به محرمانگی می‌تواند فسخ قرارداد نفتی باشد. هنجار در این باره این است که نقض محرمانگی، نقض تعهد بنیادین و گسترده به شمار نمی‌آید، مگر در جایگاهی که با آشکارشدن چنان داده‌هایی، دیگر برنامه نفتی سودده نباشد یا زیان کلانی را به بار آورد. بنابراین در این انگاره که نقض محرمانگی، نقض گسترده و بنیادین قرارداد نیست، راهکار روبه‌رو شدن با چنین نقضی در قراردادهای نفتی، همانا بردن دعوا به داوری و سازوکارهای جایگزین داوری است. بدین راهکار پایبندی به انجام تعهد محرمانگی، رأی نهاد رسیدگی‌کننده به زیان نقض‌کننده تعهد خواهد بود. البته این راهکار هزینه‌بر است و بهتر است از روش‌های قراردادی بهره گرفته شود.

به‌ترتیب، در قراردادهای محرمانگی که جداگانه بسته می‌شوند، هم به تعهدهای محرمانگی بیشتر پرداخته می‌شود و به‌ویژه بهره‌بردن از اطلاعات محرمانه در کارهای دیگر برنهاد می‌شود و هم درباره پایبندی به انجام تعهد، گستره گوناگونی از روش‌ها مانند برنهادن وجه التزام قراردادی، دستور موقت به جلوگیری از بهره‌بردن از داده‌ها در جایگاه ناروا، بازپرداخت زیان و بازگرداندن به وضع پیشین، از میان بردن رونوشت‌هایی که به ناروا نزد دیگری است، در قرارداد برنهاد می‌شود (Hardwicke-Brown, 1996: 356).

در توافقات محرمانگی که محرمانگی به‌طور گسترده به‌کار برده شده است، به ناچار تعهدها به‌طور ذهنی و گسترده به‌کار برده می‌شوند. این کار سبب می‌شود که نتوان برای این تعهدها ضمانت‌اجرای استوار و کارآمدی مانند وجه‌التزام به‌کار برد؛ زیرا اگر چنین باشد، متعهد زیر بار هزینه‌های قراردادی بسیاری می‌رود که درباره بسیاری از داده‌ها، تحمل این هزینه‌ها بهینه نیست. اما اگر تعهد عینی و درباره داده‌هایی باشند که به‌درستی نیاز به محرمانگی دارند، می‌توان ضمانت‌اجراهای کارآمدتری به‌کار برد و به‌طور بهینه از داده‌های محرمانه نگه‌داری کرد.

۲.۴. استثنای محرمانگی

دو سوی قرارداد یا امتیازنامه نفتی ناچارند در جایگاه‌هایی که نیاز به آشکار ساختن داده‌های محرمانه برای دیگران است، دست از محرمانگی بردارند. از این رو در قرارداد یا شرط محرمانگی، بر سر استثنای تعهد بر محرمانگی میان یکدیگر توافق می‌کنند.

این استثنایها را می‌توان به پنج دسته بخش کرد:

- در جاهایی که داده‌ها در قلمرو عمومی باشند یا بنا بر قانون‌ها و استانداردهای شفافیت بایستی آشکار شوند. این مورد در واقع از دل اصل شفافیت برمی‌آید، نه از استثنا بر محرمانگی. به سخن دیگر، این یک اصل است، نه استثنا. از این‌رو برداشت از این دسته داده‌ها بایستی به طور گسترده باشد. بنابراین داده‌هایی که میان دو سوی قرارداد جابه‌جا نشده و یکی از آن‌ها، این داده‌ها را از شخص سومی به دست بیاورد نیز بنا بر همین تفسیر گسترده، از تعهد محرمانگی بیرون می‌شود، بی‌آن‌که در بخش استثنایا به آن اشاره شده باشد. هرچند ممکن است برخی از نمونه‌های قراردادها این چنین بندی را در استثنایا بگنجانند؛ برای نمونه، در بند ۳۳،۲ نمونه قرارداد خدماتی گازی عراق چنین نوشته شده است که اگر اطلاعاتی که می‌بایست محرمانه باشند، بدون این‌که تقصیری از دو سوی قرارداد سر زده باشد، نزد عموم آشکار گردد و یا به وسیله شخص سومی به دست یکی از دو سوی قرارداد برسند، به شرط این‌که تقصیری رخ نداده باشد یا اگر رخ داده دریافت‌کننده از آن بی‌خبر باشد، از موضوع تعهد بر محرمانگی بیرون می‌باشد. در این باره حتی اگر در قرارداد چیزی نوشته نشده باشد نیز دشواری به بار نمی‌آورد؛ زیرا این دسته از بنیان استثنا که نیستند هیچ، بلکه از اصل شفافیت به دست می‌آیند.
- در جایی که داده‌ها با شخص‌های سومی که در برنامه همکاری دارند در میان گذاشته می‌شود. این دسته از شخص‌های سوم، دربرگیرنده شرکت‌های زیرمجموعه، پیمانکاران فرعی، کارکنان و مشاوران درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی می‌گردد که هرکدام بنا بر پیشه‌ای که دارند به اندازه نیاز خود می‌توانند به داده‌های محرمانه دسترسی داشته باشند.
- در جایی که برای پیشبرد و انجام برنامه نفتی، داده‌هایی به برخی شخص‌های سوم رسانده می‌شود؛ مانند شرکت‌ها یا بانک‌هایی که در برنامه نفتی سرمایه‌گذاری می‌کنند یا شرکت‌های بیمه که ریسک‌ها را پوشش می‌دهند.
- در جایی که قرار است بخشی از برنامه برون‌سپاری^۱ شود. در این باره نیاز است که بخشی از داده‌های محرمانه برای شرکتی دارای حسن‌نیت که در حال مذاکره برای به عهده گرفتن بخشی از برنامه نفتی است، آشکار گردد.
- در جایگاه حل و فصل اختلاف‌ها. اگر دو سوی قرارداد به اختلاف بخورند، به ناچار بایستی بخشی از داده‌های محرمانه را نزد داور، میانجی یا دادرس آشکار سازند. از این‌رو بایستی بندی برای برنهادن این استثنا در قراردادهای محرمانگی و یا شرط‌های محرمانگی بیاید. هرچند در بیشتر نمونه قراردادهایی که نگارنده بررسی کرده است، چنین بندی نگاشته نشده است، به جز نمونه امتیازنامه موزامبیک. از نگاه قراردادی، نگنجاندن چنین بندی در دیگر قراردادها، جای خرده‌گیری دارد.

در هر مورد که داده‌های محرمانه برای شخص‌های سوم آشکار می‌گردند، دریافت‌کننده داده‌ها بایستی به‌طور جداگانه متعهد به محرمانگی شود که به همان اندازه تعهد محرمانگی پایه سنگین باشد. اکنون اگر نگاه محرمانگی گسترده بر توافق محرمانگی پایه چیره باشد، سبب به‌کار بردن همین تراز از توافق محرمانگی با شخص‌های سوم می‌شود که هزینه قرارداد را بسیار افزایش خواهد داد.

۲.۵. پایان یافتن تعهدهای محرمانگی

محرمانگی چه بنا بر قرارداد محرمانگی باشد یا شرط ضمن عقد، به هر ترتیب وابسته به قرارداد نفتی نیست و از این‌رو، از دید درستی یا نادرستی و همچنین فسخ یا پابرجا بودن تعهدها، بستگی به قرارداد نفتی یا گازی بالادستی پایه ندارد. تا جایی که با به پایان رسیدن قرارداد پایه، توافقاتی محرمانگی پابرجا می‌مانند (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۹۷). بنابراین، توافقاتی محرمانگی دوره ویژه خود را دارند. این دوره همواره بیش از دوره قرارداد پایه خواهد بود؛ زیرا اگر توافقی که درباره محرمانگی شده است، زودتر از خود قرارداد پایه به پایان برسد، همه داده‌های محرمانه می‌توانند برای دیگران آشکار شوند که این برای دو سوی قرارداد زیان‌آور است. از این‌رو پایان دوره محرمانگی، هنگامی باید فرا برسد که دوره قرارداد پایه به پایان رسیده باشد. بدین‌سان در برخی شرطها یا قراردادهای محرمانگی این چنین برمی‌نهند که تعهدهای محرمانگی تا دوره مشخصی پس از پایان یافتن قرارداد پایه، پابرجا خواهند بود.

برای نمونه، در نمونه قرارداد خدماتی عراق، بند ۳،۳۳، دوره تعهدهای محرمانگی نگاشته‌شده در شرط محرمانگی این قرارداد را سه سال پس از پایان یافتن قرارداد پایه دانسته است. این دوره در نمونه قراردادهای مشارکت در تولید کامبوج، دو سال پس از پایان قرارداد پایه برنهاد شده است. این دوره در نمونه قرارداد ترکیبی آلبانی، پنج سال برنهاد شده است. در نمونه قراردادهای مشارکت در تولید اقلیم کردستان عراق، این دوره تا پایان دوره قرارداد پایه دانسته شده و چیزی بر آن افزوده نشده است.

در پی راهبرد محرمانه‌گرا، در برخی دیگر از شرطها یا قراردادهای محرمانگی، دوره مشخصی برای پایان تعهدهای محرمانگی بر نمی‌نهند. در این‌دست از توافقات، پایانی برای تعهدهای محرمانگی دیده نمی‌شود؛ برای نمونه، در بند ۱۱،۲ نمونه امتیازنامه پاکستان چنین برنهاد شده است که این تعهدها به‌ترتیب پس از پایان امتیازنامه نیز پیوسته پابرجا خواهند بود. در نمونه قرارداد خدماتی کمک فنی کویت نیز در بند ۴،۴۵ به همین گونه، تعهدهای محرمانگی بی‌پایان دانسته شده‌اند. همین‌طور است در قرارداد کمک فنی میان شرکت

پتروبراس برزیل و شرکت آی.پی.آر.سی در موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی میان نیجریه و سائوتومه و پرنسپ نیز تعهدهای محرمانگی به‌روشنی برای همیشه پابرجا دانسته شده‌اند.

نتیجه

در پژوهش پیش رو، نخست جایگاه این دو پنداره در قلمرو فلسفه حقوق نشان داده شد. آموختیم که هم محرمانگی و هم شفافیت، در برپایی حقوق نقش بسزایی دارند. البته با این پیش‌نیاز که هرکدام در جای خودش به‌کار گرفته شود. در یک نظام حقوقی سالم، محرمانگی ابزاری است در دست شهروندان و اشخاص خصوصی تا از حریم خصوصی و رازهای تجاری خود نگه‌داری کنند. و در برابر، شفافیت ابزاری است در دست جامعه تا بدان جلوی فساد اقتصادی و نابرابری‌ها گرفته شود. از این رو نهادهای عمومی و شرکت‌های دولتی و شرکت‌های چندملیتی در اصل پایبند به شفافیت هستند. و به‌کارگیری محرمانگی برای آن‌ها کارکردی استثنایی و محدود به نمودهای عینی است.

همین رویکرد در صنعت نفت و گاز نیز برقرار است و حتی از این سو که این صنعت دستخوش فسادهای مالی و اقتصادی بسیار است، نیاز به شفافیت در آن بیشتر به چشم می‌آید. از این رو در عرف جهانی صنعت نفت و گاز، نهادهای زیادی در راستای پیش‌داشت شفافیت در شرکت‌ها و کشورها برقرار شده‌اند. در ایران نیز با نگرش به قانون‌های بالادستی مانند اصل ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، ماده یک قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت که صنعت نفت را عمومی قلمداد می‌کند و همچنین قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، بایستی رویکرد مبتنی بر شفافیت به‌کار بسته شود. با این حال در رویه وزارت نفت و شرکت ملی نفت، به‌طور همه‌جانبه به سوی محرمانه نگاه‌داشتن همه داده‌ها، از جمله داده‌های عمومی، گرایش داشته‌اند که با قانون‌های داخلی و رویه بین‌المللی در ناسازگاری است. در پی این رویکرد محرمانه‌گرا، هم فسادهای مالی زیادی رخ داده است و هم داده‌هایی که بایستی از سوی پیمانکاران محرمانه نگه داشته می‌شد، سرانجام به سود رقیبان شرکت ملی نفت به‌کار گرفته شد. البته همواره استناد پاسخگویان در این باره، به تهدید تحریم‌هایی بوده است که صنعت نفت ایران را نشانه گرفته است. هرچند این موضوع نایستی سبب به‌کارگیری راهبردی شود که به منافع ملی ضربه بزند.

در قراردادهای نفتی، این رویکرد در شرط یا قرارداد محرمانگی خود را نشان می‌دهد. در بسیاری از کشورهایی که اصل بر شفافیت گذاشته شده است، رویکرد کلی در تدوین قراردادها، خواه امتیازی باشند یا مشارکتی و خدماتی، این بوده است که داده‌های محرمانه بسیار عینی بازشناخته شده‌اند. و از سوی دیگر، هر دو طرف قرارداد در داشتن این داده‌ها و یا

بهره‌برداری از آن‌ها سهم هستند. این رویکرد روادارانه، هم به برقراری شفافیت کمک می‌کند و هم در نگه‌داری از داده‌های محرمانه بسیار کارایی دارد و هم می‌تواند یکی از عنصرهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشد. در کشورهایی که با این رویکرد همراه شده‌اند، نمودهای داده‌های محرمانه بسیار روشن بوده است. در چنین فضای شفاف، برای زیر پا گذاشتن محرمانگی این دسته از داده‌ها که به‌خوبی مشخص شده‌اند، شانس بسیار کمی باقی می‌ماند. در برابر، هنگامی که یک کشور راهبرد محرمانگی گسترده و تفسیرپذیر داده‌ها را به‌کار می‌بندد، در پیوندهای حقوقی قراردادی که با شرکت‌های پیمانکار دارد، نمی‌تواند راهکارهای استواری برای پایبند نمودن متعهد به محرمانگی برقرار سازد؛ زیرا هنگامی که مرز تعهدها ذهنی باشد، چانه‌زنی برای برگزاردن ضمانت‌اجراهای سخت در قرارداد ضعیف می‌گردد و متعهد بهانه‌های زیادی برای زیر پا گذاشتن تعهد پیدا می‌کند. نگاه محرمانه‌گرا همچنین در برنهادن استثناها نیز سبب ناسازگاری‌هایی می‌شود. بدین‌سان که رساندن داده‌ها به شخص‌های سوم همراه با ریسک بیشتر خواهد بود و پیرو آن هزینه‌های قراردادی بیشتر می‌شود. همین ایراد در برنهادن دوره‌های زمانی طولانی برآمده از نگاه محرمانه‌گرا پیش کشیده می‌شود.

روی‌هم‌رفته، می‌توان نتیجه گرفت که افزون بر ناکارآمدی‌هایی که راهبرد محرمانه‌گرا درباره فسادهای مالی و اقتصادی پدید می‌آورد، از دیدگاه حقوقی و قراردادی نیز این راهبرد کارایی شایسته‌ای ندارد.

منابع

الف) فارسی

۱. رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲). *حقوق انتقال فناوری*. تهران، انتشارات سمت.
۲. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*. تهران، انتشارات میزان.

ب) خارجی

3. Berliner, Daniel (2014). "The political origins of transparency". *The Journal of Politics*, 76, 2, p479-495.
4. Florini, Ann (2007). *The right to know: transparency for an open world*. Columbia University Press.
5. Hardwicke-Brown, Mungo (1996). "Confidentiality and dispositions in the oil and gas industry". *Alta. L. Rev.*, 35, p355-380.
6. Hayek, Friedrich August (2012). *Law, legislation and liberty: a new statement of the liberal principles of justice and political economy*. Routledge.
7. Johnston, Daniel (1994). *International Petroleum Fiscal Systems and Production Sharing Contracts*. PennWell.
8. LLP, Allen; Overy (2013). *Guide to Extractive Industries Documents – Oil & Gas*. World Bank Institute.
9. Maddahinasab, Mostapha (2018). *Legal and philosophical analysis of ownership and sovereignty over hydrocarbon resources in concern with issues on internationally shared hydrocarbon reservoirs*. Master Degree, University of Zurich, Department of Law, Zurich.

10. Maddahinasab, Mostapha; Ahmad Momenirad; Reza Tajarlou; Mohammadhasan Razavi (2019). "Managing confidential information on petroleum projects in the case of third parties". *Energy policy studies*, 2, 4, p45-61.
11. McCARTHY, KEVIN R; John W Kornmeier (1980). "Maintaining the Confidentiality of Confidential Business Information Submitted to the Federal Government". *The Business Lawyer*, 4, p50-66.
12. McPherson, Charles; Stephen MacSearraigh (2007). *Corruption in the petroleum sector*. in: *The Many Faces of Corruption*, J. E. Campos and S. Pradhan Place, Published: The World Bank.
13. Öge, Kerem (2017). "Transparent autocracies: The Extractive Industries Transparency Initiative (EITI) and civil society in authoritarian states". *The Extractive Industries and Society*, 4, 4, p811-819.
14. Petersmann, ErnstUlrich (2002). "Time for a United Nations 'Global Compact' for Integrating Human Rights into the Law of Worldwide Organizations: Lessons from European Integration". *European Journal of International Law*, 13, 3, p628-640.
15. Rosenblum, Peter; Susan Maples (2009). *Contracts confidential: Ending secret deals in the extractive industries*. Revenue Watch Institute.
16. Secretariat, Development (1978). *Handbook on the acquisition of technology by developing countries*. United Nations.
17. Sturesson, Annie; Thomas Zobel (2015). "The Extractive Industries Transparency Initiative (EITI) in Uganda: Who will take the lead when the government falters?". *The Extractive Industries and Society*, 2, 1, p30-45.
18. Ushie, Vanessa (2013). "Dodd-Frank 1504 and Extractive Sector Governance in Africa". *North-South Institute Policy Brief*. 23, 2, p58-70. available at <http://www.nsi-ins.ca/wpcontent/uploads/2013/03/Dodd-Frank-Policy-Brief-FINAL.pdf>



Strategies for Upholding Confidentiality in Petroleum Contracts

Mostapha Maddahinasab 

*Postdoctoral researcher at Institute for mining and energy law, Ruhr-
University Bochum, Bochum, Germany*

Ahamad Momenirad*

*Associate Professor, of public international law at University of Tehran,
Tehran, Iran*

Reza Tajarlou

Assistant professor of public law at University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Information in petroleum contracts and petroleum projects is inevitably exchanged between investors (contractors) and host states (owners). There are some data in the petroleum industry that are highly valuable, and they can have a major impact on the competition between oil companies. Within a reasonable legal system, transparency is an essential feature that limits confidentiality. Considering this contrast, it is imperative to understand confidentiality strategies in petroleum contracts. This will help us to devise better policies regarding confidentiality and transparency in the oil and gas industry. In this research, we have distinguished and examined confidentiality and transparency strategies in the petroleum contract. According to the results, a strict confidentiality strategy was the worst strategy because it is at odds with international norms and ineffective for keeping information confidential.

Keywords: Confidentiality, Transparency, Petroleum contracts, Confidential information.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.